

زن و انتخابات (کتاب)

نویسنده: حمیدرضا شاملو

چکیده

کتاب زن و انتخابات مجموعه گفتارهایی از برخی محققان حوزه علمیه قم در مخالفت با شرکت زنان در امر انتخابات در اواخر دهه ۳۰ خورشیدی. این کتاب تصویری از مواجهه کنشگران مذهبی در دوره پهلوی دوم را با حق رأی زنان، به عنوان وجهی از وجوه فرهنگ سیاسی جدید، نشان می‌دهد. نویسندگان مقالات این کتاب تلاش کرده‌اند با ارائه دلایلی دینی و عقلی و با اتکا به برخی یافته‌های دانش روز نشان دهند که شرکت در انتخابات برای زنان شرعاً و عقلاً ممنوع است.

نگارش کتاب زن و انتخابات در کنار روند تغییر نظر جامعه نخبگی و عمومی دینی ایران درباره حق رأی زنان و موافقت با آن در دوره‌های بعد، به عنوان نمادی از وابستگی امر دینی به زیست‌جهان انسان متدین و لوازم زمانه قلمداد شده است. تغییر نظر برخی نویسندگان این کتاب درباره حق رأی زنان و احیاناً تشویق آنان برای شرکت در انتخابات در دوره‌های بعدی، شاهدهی برای این مدعا تلقی شده است.

در مقدمه مؤلفان کتاب زن و انتخابات، درباره علت نگارش و انتشار آن گفته شده که برخی زنان با پشتیبانی برخی رجال سیاسی و بعضی جراید تلاش‌هایی برای راه یافتن به مجلس شورای ملی کرده‌اند و تلاش‌ها برای احقاق حقوق ازدست‌رفته زنان و نمایندگی از آنان برای دفاع از حقوق آنان، مسئله حقوق زنان را به موضوع مناقشه‌برانگیز روز تبدیل کرده است. بستر سیاسی و اجتماعی پیدایش چنین کتابی، تلاش‌هایی بوده که از پس مشروطیت برای احقاق حق رأی زنان و نیز تحت‌تأثیر ورود اندیشه‌های جدید غربی، در این زمینه انجام شده است. بستر دینی پیدایش کتاب زن و انتخابات، روند تثبیت نگرشی نو به اسلام و جایگاه آن در اجتماع بود که با سقوط پهلوی اول سربرآورد؛ نگرشی که صاحبان آن تلاش می‌کردند اسلام را چون دینی اجتماعی، سیاسی، همه-جانبه، هم‌نوا با علم جدید و پاسخ-گو به مشکلات انسان مدرن معرفی کنند.

کتاب زن و انتخابات از دو مقدمه و پنج بخش تشکیل شده است. عناوین و موضوعات مباحث این پنج بخش عبارت است از: «چرا زن حق حکومت ندارد؟»، «تمدن و آزادی زنان»، «شرکت زنان در انتخابات از نظر اسلام»، «این هم دلایل بانوان راجع به شرکت در انتخابات!» و «نتایج شرکت زنان در انتخابات». به جز مقدمه نویسندگان، مقدمه دیگر این کتاب به قلم ناصر مکارم شیرازی با عنوان «نقش زن در انتخابات» است.

معرفی اجمالی و جایگاه

کتاب زن و انتخابات مجموعه مقالاتی نوشته گروهی از محققان حوزه علمیه قم درباره «صلاح نبودن شرکت زنان در امر انتخابات» است (ص ۱۲). کتاب فاقد تاریخ نشر است، ولی رسول جعفریان، تاریخ‌نگار، با تکیه بر قرائنی، زمان نشر آن را دی یا بهمن ۱۳۳۹ ش تخمین زده است. [۱] این کتاب شماره اول از مجموعه «از اسلام چه می‌دانیم» است که تحت نظر ناصر مکارم شیرازی منتشر می‌شده است.

نویسندگان این مجموعه زین‌العابدین قربانی (زاده ۱۳۱۲ش)، محمد مجتهد شبستری (زاده ۱۳۱۵ش)، علی حجتی کرمانی (درگذشته ۱۳۷۹ش)، عباسعلی عمید زنجانی (درگذشته ۱۳۹۰ش) و حسین حقانی (درگذشته ۱۳۹۸ش) بوده‌اند. در فهرست و متن کتاب، نویسندگان بخش‌های پنج‌گانه کتاب جداگانه مشخص نشده‌اند. جعفریان این افراد را ازجمله نویسندگان نسل دوم مجله حوزوی مکتب اسلام قلمداد کرده است. او آنان را از شاگردان اهل قلم مدیران نسل دوم این نشریه، ناصر مکارم شیرازی و جعفر سبحانی، دانسته است.[۲۰]

کتاب زن در انتخابات تصویری است از مواجهه کنشگران مذهبی در دوره پهلوی دوم با حق رأی زنان، به‌عنوان وجهی از فرهنگ سیاسی جدید. نویسندگان گفتارهای این کتاب تلاش کرده‌اند با ارائه دلایلی دینی و عقلی و با اتکا به برخی یافته‌های دانش روز نشان دهند که شرکت در انتخابات برای زنان شرعاً و عقلاً ممنوع است. با قطع نظر از تأثیر این کتاب بر جامعه مذهبی ایران در آن دوره، که عموماً با نظر نویسندگان کتاب در این موضوع همراه بوده‌اند، پیدایش چنین کتابی در کنار روند تغییر نظر جامعه نخبگی و عمومی دینی ایران درباره حق رأی زنان، و موافقت با آن در دوره‌های بعد به‌عنوان نمادی از وابستگی امر دینی به زیست‌جهان انسان متدین و لوازم زمانه قلمداد شده است.[۳] تغییر نظر برخی نویسندگان این کتاب درباره حق رأی زنان و احیاناً تشویق آنان برای شرکت در انتخابات در دوره‌های بعدی شاهدی برای این مدعا تلقی شده است.[۴۰]

در عین‌گذار جامعه مذهبی ایران از دغدغه‌های جاری در کتاب زن و انتخابات و بلاموضوع‌شدن بسیاری از مباحث آن، اتکا به برخی استدلال‌های آن درباره عدم مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان همچنان مورد استناد برخی گروه‌های دینی برای پیشبرد نگاه سلبی در برخی حوزه‌های نوظهور زنان بوده است؛ آنچنان که برای نمونه خلاصه‌ای از مباحث این کتاب در سال ۱۳۸۹ش در مخالفت با انتخاب زن به‌عنوان وزیر در دولت دهم جمهوری اسلامی (۱۳۸۸-۱۳۹۲ش) در نشریه‌ای[۵] به‌چاپ رسید.

علت و بستر انتشار
در مقدمه مؤلفان بر کتاب زن و انتخابات، درباره علت نگارش و انتشار آن گفته شده که برخی زنان با پشتیبانی برخی رجال سیاسی و بعضی جراید تلاش‌هایی برای راه‌یافتن به مجلس شورای ملی کرده‌اند و تلاش‌ها برای احقاق حقوق ازدست‌رفته زنان و نمایندگی از آنان برای دفاع از حقوق آنان، مسئله حقوق زنان را به موضوع مناقشه‌برانگیز روز تبدیل کرده است (ص ۱۳).

بستر سیاسی و اجتماعی پیدایش چنین کتابی تلاش‌هایی بود که از پس مشروطیت برای احقاق حق رأی زنان و نیز تحت‌تأثیر ورود اندیشه‌های جدید غربی در این زمینه انجام شده است. اولین تلاش‌ها در دوره دوم مجلس شورای ملی صورت گرفت و در دوره‌های دیگر هم طرح شد و عموماً مسکوت ماند.[۶] این تلاش‌ها نهایتاً در سال ۱۳۴۱ش به طرح و تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی انجامید[۷] که یکی از مواد آن اعطای حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن به زنان بود.[۸]

بستر دینی پیدایش کتاب زن و انتخابات، روند تثبیت نگرشی نو به اسلام و جایگاه آن در اجتماع بود که با سقوط پهلوی اول سربرآورد؛ نگرشی که صاحبان آن تلاش می-کردند اسلام را چون دینی اجتماعی، سیاسی، همه-جانبه، همنوا با علم جدید و پاسخ-گو به مشکلات انسان مدرن معرفی کنند.[۹] این نگرش که توسط برخی طلاب حوزه علمیه قم دنبال می-شد، نگارش پژوهش‌هایی با شیوه و زبان نو را راهکاری برای کشیدن دین به عرصه اجتماع برمی-شمرد. یکی از نمودهای این شیوه نو، بهره‌گیری از داده‌های علم جدید، به‌خصوص علوم طبیعی، در اثبات مدعیات دینی بود که در این کتاب برای اثبات عدم صلاحیت زنان برای شرکت در انتخابات به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. این موضوع در کنار بهره‌گیری از زبانی جدلی در برخی گفتارهای این کتاب را می‌توان از جمله خصوصیات بارز روش نگارش کتاب زن و انتخابات به‌حساب آورد.

مقدمه‌ها

کتاب زن و انتخابات دارای دو مقدمه است: مقدمه‌ای از ناصر مکارم شیرازی با عنوان «نقش زن در انتخابات» و مقدمه نویسندگان که در آن به انگیزه نگارش و انتشار این کتاب پرداخته شده است. در مقدمه مکارم شیرازی، دادن حق رأی به زنان نوعی «تقلید کورکورانه» از تمدن غرب تلقی شده است؛ تمدنی که نمود دوارن طفولیت و رشدنایافتگی عقلی بشر است (ص ۵-۸).

مکارم در ادامه به پاره‌ای سؤالات درباره اعطای حق رأی به زنان پاسخ می‌گوید:

آیا دخالت زنان در تمام شئون اجتماعی از جمله انتخابات می‌تواند مشکلی از مشکلات بشر را حل کند یا بر این مشکلات می‌افزاید؟
آیا پژوهش‌های روان‌شناسانه و تن‌کردشناسانه دانشمندان علوم جدید جواز دخالت زنان در امور سیاسی را تأیید می‌کند؟
آیا زنان در همه ملل متمدن در این امور شرکت داده می‌شوند و اگر می‌شوند، دلیلی می‌شود که از آن ملل تقلید کنیم؟
آیا دادن حق انتخاب به زنان، در حالی که اکثریت قریب به اتفاق مردان و زنان ایرانی با آن مخالف هستند، درست است؟
آیا شرکت زنان در انتخابات با نگاه دینی مردم ایران، که ناشی از نظر مراجع دینی آنان است، مطابقت دارد؟
از نظر مکارم شیرازی، پاسخ این سؤالات روشن است؛ با این حال از خواننده می‌خواهد که اگر هنوز پاسخ را درنیافته، فصول کتاب زن و انتخابات را بخواند تا ابهاماتش حول «صلاح نبودن شرکت زنان در امر انتخابات» برطرف شود (ص ۹-۱۲).

بخش اول: چرا زن حق حکومت ندارد؟

بخش اول کتاب زن و انتخابات با عنوان «چرا زن حق حکومت ندارد؟» با کاوش در پیدایش ایده حق دخالت زن در امور اجتماعی و سیاسی در غرب آغاز می‌شود؛ اینکه این ایده حاصل انقلاب صنعتی، استثمار زنان طی این انقلاب و احساس نیاز آنان برای رهایی از استثمار با به‌دست‌آوردن حق حکومت بوده است (ص ۱۷-۱۸).

از نظر نویسندگان، این ایده که حاصل مسائل زن غربی بوده، از طریق رسانه‌ها وارد جهان شرق از جمله ایران شده است؛ در حالی که بستر ایجاد آن در اینجا وجود نداشته و زن اصیل ایرانی برای خود حق حکومت نمی‌خواسته، چون دخالت در این امور را «تجاوز از سنن طبیعی» و «نوامیس سازمان هستی» می‌دانسته است (ص ۱۸-۱۹). نویسندگان در ادامه، ذیل عنوان «پاسخی که علم می‌دهد»، در پی اثبات این سنن و نوامیس درباره زنان با اتکا به بحث‌هایی است که آنها را حاصل کوشش‌های دانشمندان تن‌کردشناس، روان‌شناس و جامعه‌شناس برمی‌شمرد (ص ۲۰).

نویسندگان در قسمت دلایل تن‌کردشناسانه با اتکا به نظرات علوم زیستی جدید در پی اثبات تفاوت‌های گسترده زن و مرد است؛ تفاوت از طول قامت و حواس پنجگانه تا جهاز هاضمه و نبض (۲۱-۲۳). در قسمت روان‌شناسی، هرچند به فرق روانی زن و مرد پرداخته شده، نسبت به قسمت قبل مطالب کمتری آورده شده و دلایل جامعه‌شناسانه هم بیشتر حول نیاز جامعه انسانی به ایفای نقش مادری توسط زن دور می‌زند (ص ۳۲-۳۵). نهایتاً نویسندگان دلایل سه‌گانه ارائه‌شده را اثبات‌کننده مخالفت شدید «سازمان آفرینش» و «نظام خلقت» با دخالت زن در مشاغل مردانه (از جمله حکومت) قلمداد می‌کند (ص ۳۵-۳۶).

بخش دوم: تمدن و آزادی زنان

نویسندگان بخش دوم، با عنوان «تمدن و آزادی زنان»، پیگیری حق رأی زنان از سوی عده‌ای را حاصل پیروی از تمدن جدید غربی می‌شمرد و با برشمردن مثال‌هایی از عوارض سوء اخلاقی و انسانی آن تمدن، پیروی کورکورانه از آن را درست نمی‌داند (ص ۳۷-۴۲). او تساوی حقوق موجود میان زن و مرد در غرب را ظاهری شمرده و زنان را در سیاست غربی عملاً غیرمؤثر می‌انگارد (ص ۴۲-۴۵). نویسندگان برای محدودیت‌های قانونی زنان برای شرکت در انتخابات مثال‌هایی از کشورهای غربی می‌آورد و اعمال چنین محدودیت‌هایی را امری لازم برای جلوگیری از «پاره‌ای از موارد فساد» و «اثرات شوم آزادی» به قلم می‌آورد (ص ۴۵-۵۰).

بخش سوم: شرکت زنان در انتخابات از نظر اسلام

در بخش «شرکت زنان در انتخابات از نظر اسلام» از کتاب زن و انتخابات به جنبه‌های مذهبی این موضوع پرداخته شده است. نویسندگان اظهارات مطرح‌شده در روزگار خود درباره شرعی بودن تساوی حقوق زن و مرد در زمینه شرکت در انتخابات را نادرست و ناشی از «قضایات بی‌مطالعه» درباره شریعت اسلامی برمی‌شمرد (ص ۵۱-۵۵).

نویسندگان در ادامه به نقد دلایل ارائه‌شده از نظر شرعی برای اثبات حق رأی زنان می‌پردازد:

به رسمیت شمرده شدن حق رأی زنان در برخی کشورهای اسلامی نمی‌تواند دلیلی برای مشروعیت آن باشد، زیرا بسیاری از این کشورها تحت حاکمیتی غیراسلامی اداره می‌شوند (ص ۵۵-۵۶).

استدلال بر ماجرای بیعت پیامبر (ص) با زنان، با تکیه بر آیه ۱۲ سوره ممتحنه، دلیل کاملی نیست، چون عهد پیامبر (ص) با زنان فقط در مورد موضوعات مورد اشاره در آیه است، نه امر حکومت و ملزومات آن مانند حق رأی که از امور مربوط به ولایت عامه است (ص ۵۹-۵۶). در قسمت دیگر این بخش، به اثبات این گزاره از نظر فقه شیعه و اهل سنت پرداخته شده است که زنان از نظر اسلام حق قانون‌گذاری ندارند. نویسندگان، فتوای علمای الازهر مصر در

پاسخ به سؤالی درباره حق عضویت زنان در پارلمان و حق شرکت آنان در انتخابات اعضای پارلمان را مبنایی برای عدم مشروعیت آن در فقه اهل سنت قرار می‌دهد و مبنای آن (حرمت تصدی اموری که لازمه آن ولایت عامه باشد) را تشریح می‌کند (ص ۶۱-۶۸).

از نظر نویسنده، در فقه شیعه رأی دادن زنان نوعی ایجاد ولایت در شأن قانون‌گذاری برای آنان است. از نظر او این موضوع امری ممنوع است؛ زیرا در فقه شیعه هیچ نوع از ولایت عامه و اختیارات در شئون سه‌گانه قانون‌گذاری، اجرای قوانین و قضاوت، به زنان داده نشده است (ص ۶۹). به عنوان دلیل، نویسنده چهار روایت [۱۰] را نقل می‌کند که فقیهان شیعه [۱۱] برای منع زنان از تصدی شئون سه‌گانه بالا به آنها استناد کرده‌اند (ص ۶۹-۷۴). از سوی دیگر، نویسنده شرکت زنان در انتخابات را موجب بروز برخی دیگر از محرمات شرعی، چون تماس‌های غیرشرعی زنان با مردان، برمی‌شمرد و آن را خلاف آیات قرآن می‌داند. او شرکت زنان در انتخابات را نافی دستورات قرآن درباره حفظ عفت، حجاب و خانه‌نشینی مورد تأکید قرآن در آیاتی چون آیه ۳۱ سوره نور و آیات ۳۳، ۵۳ و ۵۹ سوره احزاب قلمداد می‌کند (ص ۷۵-۷۸).

بخش چهارم: دلایل زنان درباره شرکت در انتخابات
نویسنده بخش «این هم دلایل بانوان راجع به شرکت در انتخابات!» در پی رد پنج دلیل ارائه‌شده از سوی زنان موافق انتخابات زنان است. در اینجا به چهار دلیل و پاسخ‌های آنها اشاره می‌شود:

زن و مرد از نظر خلقت مساوی هستند و این نظر را اعلامیه جهانی حقوق بشر تصدیق کرده است. نویسنده با تکیه بر برخی تحقیقات علوم زیستی و روانی تلاش می‌کند نشان دهد که این دو جنس دارای تفاوت روحانی و جسمانی هستند و باید بر این اساس بین آنها تقسیم کار انجام شود. از نظر وی، نظراتی هم که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده حاصل عقل بشری است و ممکن است خلاف موازین عقلی و علمی باشد (ص ۸۲-۹۹). آیا شایسته است یک مرد بی‌سواد و بی‌اطلاع در انتخابات شرکت کند و یک زن تحصیل‌کرده و مطلع شرکت نکند؟ نویسنده در رد این دلیل تأکید می‌کند که اصل اثبات‌شده با دلایل عقلی و علمی این است که زن موجودی عاطفی و مرد موجودی تعقلی است؛ بنابراین مواردی که خلاف اصل است نمی‌تواند دلیلی برای خدشه بر اصل باشد (ص ۹۶-۹۹). زنان بیشتر می‌توانند خواسته‌ها و نیازهای جنس خود را بشناسند؛ پس بهتر است آنان نمایندگانی از جنس خود برگزینند. نویسنده در پاسخ به این دلیل می‌گوید که بر اساس تقسیم کاری که بین زن و مرد، بنابر طبیعت این دو جنس انجام شده، بهتر است زنان وظیفه خود در تربیت فرزندان را بر عهده بگیرند و مردان به اموری چون نمایندگی بپردازند (ص ۹۸-۱۰۱).

قیام حضرت زهرا(س) و حضرت زینب(س) برای احیای حق خود در کنار آیه مربوط به بیعت زنان در قرآن نشان می‌دهد که زنان می‌توانند در امور سیاسی، از جمله انتخابات، شرکت کنند. نویسنده در پاسخ می‌گوید که کار حضرت زهرا(س) نمی‌تواند ملاکی برای این دسته از زنان باشد؛ چون هم هدف او (احقاق حق ولایت همسرش) با هدف این زنان متفاوت بوده و هم روش او همراه با عفت و حجاب بوده است. از نظر نویسنده، این دو موضوع در هدف و روش زنان پیگیر حق رأی بانوان دیده نمی‌شود (ص ۱۰۲-۱۰۵).

بخش پنجم: نتایج شرکت زنان در انتخابات

در بخش پنجم کتاب زن و انتخابات، با عنوان «نتایج شرکت زنان در انتخابات»، نویسنده در پی نشان دادن آثار سوء آزادی زنان در نتیجه اعطای حق رأی به آنان است. او نتایج شرکت زنان در انتخابات را ذیل آثار شوم آزادی در مسائل مربوط به زنان صورت‌بندی می‌کند و در دو دسته مفاسد فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد (ص ۱۰۷-۱۰۹).

نویسنده شیوع فوق‌العاده انحرافات جنسی، بیماری‌های روحی، از دست دادن مزایای روحی، افزایش مصرف مواد مخدر و الکل و خودکشی زنان را از جمله مفاسد فردی آزادی زنان برمی‌شمرد (ص ۱۰۹). محروم‌ماندن فرزندان از تربیت و مهر مادری، بر هم خوردن نظم در امور اجتماعی، پیدایش فرزندان نامشروع، بی‌علاقه‌شدن جوانان به ازدواج، افزایش آمار جنایات و آمار طلاق را از جمله مفاسد اجتماعی آزادی زنان برمی‌شمرد (ص ۱۱۰). در ادامه این بخش، نویسنده می‌کوشد تا این مفاسد را با اتکا به آمار و اخباری که عموماً در رسانه‌های غربی آمده اثبات کند (ص ۱۱۰-۱۴۲).

پانویس

جعفریان، «جدال‌های دینی درباره مشارکت زنان...»، ص ۳۵.
جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران، ۱۳۹۶ش، ص ۴۸۶.
بابایی، دیانت و عقلانیت، ص ۸۸؛ نورمحمدزاده، «تلنگر زن و انتخابات!»، در تارنمای انصاف نیوز.

بابایی، دیانت و عقلانیت، ص ۸۸.

نصیری، «سه فراز در باب ریاست، وکالت و وزارت زنان»، ص ۳۶-۵۱.
جعفریان، «جدال‌های دینی درباره مشارکت زنان...»، ص ۳۱-۳۵.
جعفریان، «جدال‌های دینی درباره مشارکت زنان...»، ص ۳۵.
مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۶۲۳-۶۲۳.
جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران، ص ۶۵۹.
برای نمونه‌ای نگاه کنید به: صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۴.
برای نمونه نگاه کنید به: آقا ضیاء عراقی، شرح تبصرة المتعلمین، ص ۳۱۰.

منابع

آقا ضیاء عراقی، علی بن محمد، شرح تبصرة المتعلمین، قم، مطبعة مهر، ۱۳۶۱ق.
بابایی، رضا، دیانت و عقلانیت: جستارهایی در قلمرو دین‌پژوهی و آسیب‌شناسی دینی، اصفهان، نشر آرما، ۱۳۹۷ش.
جعفریان، رسول، «جدال‌های دینی درباره مشارکت زنان در انتخابات مروری بر مقالات محمدباقر مجتهد کمره‌ای (۱۳۳۹-۱۳۴۲ش)»، در پیام بهارستان، دوره دوم، سال دوم، شماره ۹، پاییز ۱۳۸۹ش.
جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی و سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی)، تهران، نشر علم، ۱۳۹۶ش.
صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق.
مدنی، سید جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۹۱ش.
نصیری، مهدی، «سه فراز در باب ریاست، وکالت و وزارت زنان»، در سمات، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹ش.

نورمحمدزاده، مهدی، «تلنگر زن و انتخابات!»، در تارنمای انصاف‌نیوز، درج ۹ آبان ۱۴۰۲ش،

